

سرنگونی نظام جمهوری اسلامی هم ممکن و هم ضروری است.

کندوکاوی درباره انتخابات ریاست جمهوری نظام ضد بشری جمهوری اسلامی

کمونیست‌ها همواره و به‌ویژه در این دوران انتخابات ریاست جمهوری که پافشاری به‌ضرورت سرنگونی این نظام ضد بشری جمهوری اسلامی بیش از هر زمان باید فراگیر شود، نیاز دارند که واقعیت عینی جامعه را همان‌گونه که است دریابند و مفروضات ذهنی گرانه خود را جایگزین آن نکنند.

این واقعا امری خوبی است که رفقای پرشور نسل نوین و جوان کمونیست روزنامه‌های مختلف موازی با قدرت حاکم که هر یک منتسب به یکی از جناح‌های هیئت حاکمه هستند را برای آشنایی با روند انتخابات جمهوری اسلامی می‌خوانند و آن را زیر ذره‌بین ماتریالیسم دیالکتیک علمی گذاشته و کندوکاو می‌نمایند. این به شناخت دیالکتیکی علمی ما از سیاست دشمن و ضرورت‌های پیش‌رویش برای تغییر کیفی آن ضرورت بر متن سرنگونی ماشین دولتی‌اش کمک می‌کند. اما فراتر از آن به شناخت ما از کلیت بازیگران شرکت‌کننده در این میدان مبارزه کمک می‌کند. و این به درک همه‌جانبه و علمی ما از شناخت ضرورت کمک می‌نماید.

وقتی می‌گوییم که سرنگونی نظام جمهوری اسلامی هم ممکن و هم ضروری است. یک خیال‌پردازی بیهوده نیست.

درک این ضرورت برای پیشروان جنبش کمونیستی از اهمیت اساسی مهمی برخوردار است. و بیهوده نیست که گفته شود این مهم‌ترین نکته و چالشی است که در مقابل کمونیست‌ها قرار دارد. زمانی که این ضرورت عمیقاً درک شود و زحمتکشان رنجبر به چنان سطح از درک برسند ابزار سرنگونی آن توسط میلیون‌ها نفر به وجود می‌آید. بدون درک عمیق این ضرورت امکان سرنگونی این رژیم ضد بشری به‌طور فزاینده به وجود نخواهد آمد.

بیشتر آنکه زمانی که ما ماتریالیست‌های کمونیست عدسی چشمانمان را کاملاً بازکنیم و با رویکرد علمی بازیگران فعال در میدان مبارزه طبقاتی را زیر نظر گرفته و کندوکاو کنیم متوجه می‌شویم که مبارزه‌ای

بی‌امان و دائمی بین دیدگاه‌های مختلف که نماینده‌ی منافع طبقاتی متضاد هستند در جریان است. تنها با رویکرد علمی است که می‌توان به درک عمیق از اهداف بازیگران این میدان دست‌یافت. درک حقیقت عینی همان‌گونه که هست امکان آزادی را فراهم می‌کند.

باب آواکیان در مورد درک واقعیت عینی می‌گوید:

«آنچه مردم فکر می‌کنند بخشی از واقعیت عینی است، اما واقعیت عینی توسط آنچه مردم فکر می‌کنند مشخص نمی‌شود.»

به عبارت دیگر واقعیت عینی مستقل از افراد وجود دارد. و با نظریه‌پردازی و ذهنی‌گرایی یعنی فعالیت فکری صرف بدون ارتباط با پراتیک انقلابی مشخص نمی‌شود.

همان‌گونه که مارکس به درستی می‌گوید:

«این مسئله که آیا اندیشه بشری دارای حقیقتی عینی هست یا نه، مسئله‌ای نظری (تئوریک) نبوده بلکه مسئله‌ای عملی است. انسان باید در پراتیکی حقیقت را ثابت کند، یعنی واقعیت و توان اندیشه‌اش را، اینجا و اکنون، اثبات کند. مناقشه درباره واقعیت یا غیر واقعیت تفکر جدا از پراتیک، کاملاً مسئله‌ی آکادمیک (اسکولاستیک و مدرسی) است.» (تزهایی در باره فویرباخ-تزدوم)

یکی از نکاتی که رفیق باب آواکیان در زمینه رهبری و ارتباط آن با واقعیت عینی به ما می‌آموزد این است:

«واقعیت عینی این است که این نظام قابل اصلاح (رفرم) نیست که بتوان از ظلم و ستم و دهشتی که بر مردم به‌طور دائم اینجا و در سراسر جهان اعمال می‌کند، رهایی یافت. نیاز و اساس و استراتژی برای انقلاب کمونیستی از یک رویکرد ماتریالیستی دیالکتیکی عمیقاً علمی به واقعیت یعنی به واقعیت اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. چیزی شبیه دکتری که می‌خواهد علت اساسی و زیر زمینه علائم بیماری برای درمان و اینکه چه سازوکاری برای درمان آن وجود دارد، تشخیص دهد. این جوهر رهبری کمونیستی است و برخلاف آنچه اکثر مردم فکر می‌کنند، واقعیت عینی این است " که در آن رهبری، یک رهبری واقعا انقلابی است و هر چه بیشتر نقش رهبری آن را به درستی ایفا کند، مطابق با اصول مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم (علم کمونیسم نوین-سنتز نوین) باشد، ابتکار عمل آگاهانه توده‌ها بیشتر خواهد بود. "

یک نکته چالشگرانه مهم:

در انتخابات ریاست جمهوری ضرورت‌های پیشروی جمهوری اسلامی در سطح جهانی و داخلی‌اش را افراد خودی درگیر این رقابت تعیین نمی‌کنند. بیشتر آنکه واقعیت عینی یا ضرورت مستقل از افراد و اقشار و طبقات درگیر این رقابت و حتی بازیگران که خودی نیستند و خارج از نظام جمهوری اسلامی و در تقابل با آن هستند، می‌باشد.

فعلاً در حال حاضر صحنه این رقابت حالت جامپ‌بال در ورزش بسکتبال را دارد. توپ در هوا در حال چرخیدن است و هر یک از جناح‌های درگیر این رقابت برای به چنگ آوردن آن خیز برداشته‌اند. هنوز مشخص نیست که کدام فرد منتسب به یک جناح از حاکمیت ستمگر، آن را می‌چنگد! بیشتر آنکه کمونیست‌ها به‌عنوان نمایندگان منافع درازمدت کوتاه‌مدت طبقه کارگر به گمانه‌زنی که چه کسی به ریاست جمهوری این نظام منتصب شود، نیستند.

برای قشر تحتانی طبقه رنجبر که منافی در این نظام ندارند و حق و حقوقی برایشان قائل نیست و دائماً سرکوب و استثمار می‌شود چه فرقی می‌کند چه کسی رئیس‌جمهور نظامی شود که قرار است ستم و استثمار، فقر و تهیدستی‌اش را تحکیم و اعمال نماید؟

برای همین نیاز داریم که به شناخت علمی از ضرورت‌های پیشروی این نظام ضد بشری برای گذار به آزادی و رهایی، استقرار جامعه نوین سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا که تنها از طریق سرنگونی این رژیم به دست خواهد آمد، دست‌یابیم. این مهم‌ترین نکته‌ای است که باید به آن توجه نمود.

نه! در انتخابات شرکت نمی‌کنیم!

نه به انتخابات، تحریم آن و آری به انقلاب کمونیستی!

رنجبران تحت ستم به انقلاب واقعی و رهایی نیاز دارند، نه "انتخاب" میان ستمکاران مختلف!

سرنگونی نظام جمهوری اسلامی یک ضرورت است!

سرنگونی نظام جمهوری اسلامی هم ممکن و هم ضرورت است!

برهان عظیمی

۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ مصادف با ۱۹ آوریل ۲۰۱۷

پاورقی:

برای آشنایی بیشتر با رویکرد و دیدگاه افشار و طبقات دیگر در برخورد به انتخابات جمهوری اسلامی به لینک زیر در مجله هفته مراجعه کنید:

رویکرد کمونیست‌ها و طبقه متوسط خرده‌بورژوازی مرفه به انتخابات دوازدهمین دور ریاست جمهوری و پنجمین دور شوراهای اسلامی شهر و روستا:

دو رویکرد، استراتژی و جهت‌گیری متضاد!

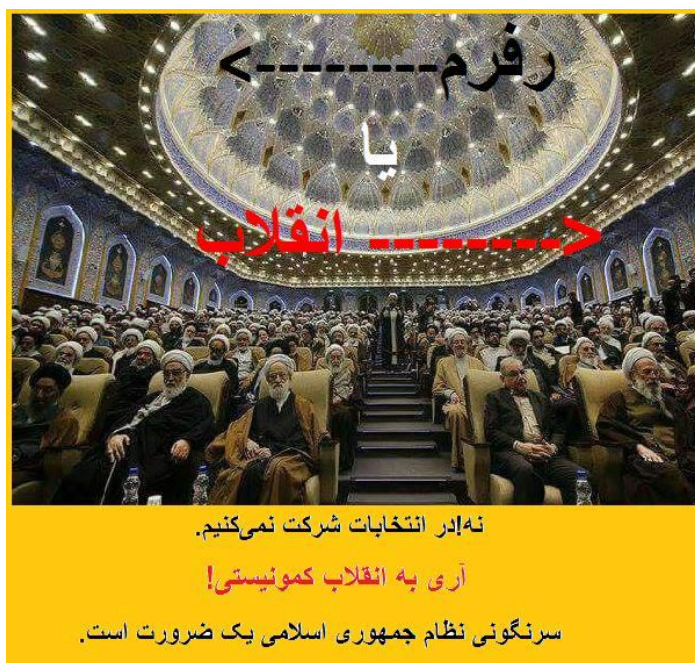
رفرم یا انقلاب!

<https://mejalehhafeh.com/2017/04/17/%D8%AF%D9%88-%D8%B1%D9%88%DB%8C%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D8%8C-%D8%AF%D9%88-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%AA%DA%98%DB%8C-%D9%88-%D8%AC%D9%87%D8%AA%E2%80%8C%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D9%85%D8%AA%D8%B6/>

و یا در لینک زیر:

http://www.azadi-b.com/G/2017/04/post_653.html





رفرم

یا

انقلاب

نه‌در انتخابات شرکت نمی‌کنیم.

آری به انقلاب کمونیستی!

سرنگونی نظام جمهوری اسلامی یک ضرورت است.